



آموزش و آزمون

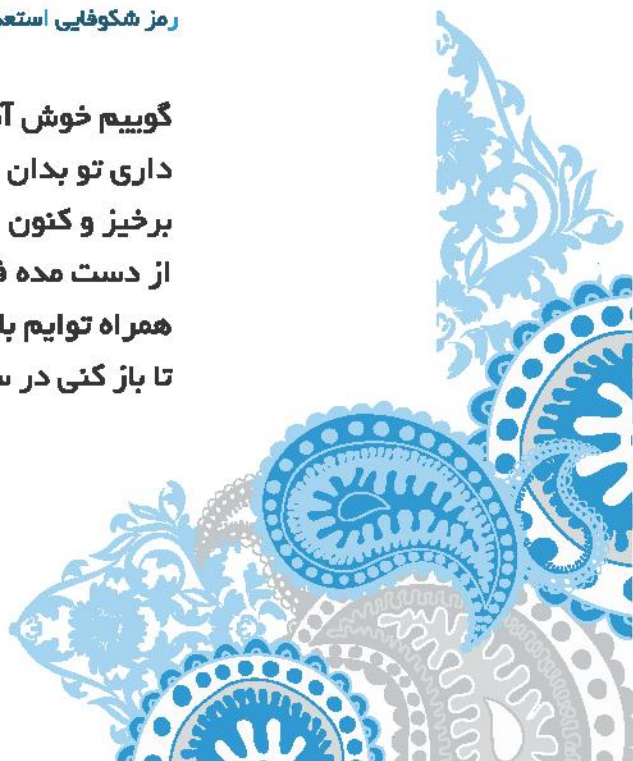
فارسی ششم ابتدایی

برای دانش آموزان تیزهوش

از مجموعه‌ی (رشادت)
رمز شکوفایی استعدادهای دانش آموزان تیزهوش

گوییم خوش آمد ای محصل
داری تو بدان کتاب کامل
برخیز و گنون فارسی آموز
از دست مده فرصت امروز
همراه توایم با رشادت
تا باز کنی در سعادت

دکتر علی غلامی







به نام خداوند جان و خرد
کزین برتر اندیشه برنگذرد

مقدمه

فارسی از جمله درس‌هایی است که همواره در آزمون‌های ورودی مدارس خاص و تیزهوشان و حتی کنکور از اهمیت و امتیاز بالایی برخوردار بوده است؛ از این رو فهم این درس و موفقیت در آزمون آن، تأثیر بسزایی در نتیجه‌ی نهایی آزمون کلی خواهد داشت.

کتاب «فارسی ششم برای دانش‌آموزان تیزهوش» کتابی است از مجموعه‌ی «رشادت» در راستای آماده‌سازی دانش‌آموزان تیزهوش و کوشا برای شرکت در آزمون‌های ورودی مدارس و تیزهوشان. برای رسیدن به این مهم در تألیف این کتاب به نکات زیر توجه کرده‌ایم:

در آغاز هر درس زندگی‌نامه‌ی مختصری از شاعر یا نویسنده‌ی متن بیان شده است. سپس در ذیل عنوان «معنی واژه‌ها» به شرح لغات دشوار متن پرداخته‌ایم. در این قسمت از اظهارنظرهای شخصی خودداری کرده و لغت‌نامه‌ی انتهای کتاب درسی را محل رجوع خود قرار داده‌ایم. در مواردی نیز که معنای واژه‌ای را در این لغت‌نامه نیافتیم، از فرهنگ‌های معتبر مانند فرهنگ معین و فرهنگ دانش‌آموز دکتر حسن انوری بهره گرفته‌ایم. در شرح عبارات و اشعار متون کهن نیز متن اصلی این آثار و بهترین و صحیح‌ترین چاپ آن‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

نکات دستوری و آرایه‌های ادبی نیز با عنوان «یادآوری» پس از شرح هر درس آمده است. در این بخش برآن بودیم که با توضیح کامل‌تر مطالب و آوردن مثال‌های ساده‌تر، راه فهم نکات ادبی و دستوری را آسان‌تر کنیم. البته از شاخ و برگ دادن به مطالب غیرضروری که سبب پیچیده‌تر شدن مطالب و دشواری فهم آن‌ها می‌شد، خودداری کردیم.

در پایان هر درس نیز با توجه به شیوه‌های پرسش در آزمون‌های تیزهوشان، پانزده سؤال چهارگزینه‌ای مطرح شده است. در این پرسش‌ها نکات مهم و امتحانی هر درس را گنجانیده‌ایم و پاسخ تشریحی آزمون در ادامه آمده است.

هر چند کوشیده‌ایم تا همه‌ی نوشته‌های این کتاب صحیح، روشن و مستند باشد، با این وجود نگارنده‌ی این دستور کار خود را از عیب و نقص مبرا نمی‌داند؛ از این رو از استادان، صاحب‌نظران و دانش‌آموزان گران‌قدر و فرهیخته خواهشمندیم ما را از نظرات و انتقادات خود آگاه سازند.

بایسته است در پایان این مقدمه از بزرگوارانی که مرا در تهیه و تألیف این کتاب یاری کرده‌اند، قدردانی کنم: نخست، آقای مهندس هادی عزیززاده دبیرمجموعه «رشادت» که با گشاده‌رویی و سعه‌ی صدر تا پایان راه مرا یاری و همراهی نمودند. همچنین از خانم‌ها سکینه مظاهری (واژه‌نگار)، ملیحه محمدی، بهاره خدایمی مینا هرمزی (گرافیک‌ها) و طوبی عینی‌پور (نمونه خوان) سپاس‌گزارم.

علی غلامی



فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۹ (به نام آن که جان را فکرت آموخت).....

ستایش

فصل اول: آفرینش

۲۲ معرفتِ آفریدگار.....

درس اول

۲۷ حکایت (محبت)

۳۰ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول

۳۲ پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس اول

۳۴ پنجره‌های شناخت

درس دوم

۳۵ (بخوان و حفظ کن) ای مادرِ عزیز

۳۸ بخوان و بیندیش (هدهد)

۴۱ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم

۴۳ پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوم

۴۴ **آزمون پایانی**

۴۶ پاسخ تشریحی آزمون پایانی

فصل دوم: دانی و هوشیاری

۵۰ هوشیاری

درس سوم

۵۳ (سُخَن) بخوان و حفظ کن

۵۷ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم

۵۹ پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سوم

۶۰ داستان من و شما

درس چهارم

۶۱ حکایت (علم و عمل)

۶۶ پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم

۶۸ پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهارم

هفت خان رستم.....	۷۰	درس پنجم:
بخوان و بیندیش (دوستان همدل).....	۷۷	
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس پنجم.....	۷۹	
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس پنجم.....	۸۱	
آزمون پایانی.....	۸۲	
پاسخ تشریحی آزمون پایانی.....	۸۴	
ای وطن.....	۸۶	فصل سوم: ایران من
حکایت (انواع مردم).....	۹۲	درس ششم:
درس آزاد (ادبیات بومی ۱).....	۹۵	درس هفتم:
بخوان و حفظ کن (همه از خاک پاک ایرانیم).....	۹۵	
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ششم و هفتم.....	۹۹	
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس ششم و هفتم.....	۱۰۱	
دریاقلی.....	۱۰۲	درس هشتم:
بخوان و بیندیش (تندگویان).....	۱۰۶	
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هشتم.....	۱۰۹	
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هشتم.....	۱۱۱	
آزمون پایانی.....	۱۱۲	
پاسخ تشریحی آزمون پایانی.....	۱۱۴	
رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌پرس.....	۱۱۶	فصل چهارم: نام آوران
بخوان و حفظ کن (باران).....	۱۱۹	درس نهم:
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس نهم.....	۱۲۵	
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس نهم.....	۱۲۷	
عطار و جلال‌الدین محمد.....	۱۲۸	درس دهم:
حکایت (درخت علم).....	۱۲۹	
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دهم.....	۱۳۷	
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دهم.....	۱۳۹	

۱۴۰.....	شهدا خورشیدند.....	درس یازدهم:
۱۴۳.....	بخوان و بیندیش (بوعلی و بهمنیار).....	
۱۴۵.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس یازدهم.....	
۱۴۸.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس یازدهم.....	
۱۴۹.....	آزمون پایانی.....	
۱۵۱.....	پاسخ تشریحی آزمون پایانی.....	
		فصل پنجم: راه زندگی
۱۵۴.....	دوستی.....	درس دوازدهم:
۱۵۷.....	مشاوره.....	
۱۶۲.....	بخوان و حفظ کن (شیرخدا).....	
۱۷۰.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوازدهم.....	
۱۷۲.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس دوازدهم.....	
۱۷۴.....	درس آزاد (ادبیات بومی ۲).....	درس سیزدهم:
۱۷۴.....	حکایت (عمر گران‌مایه).....	
۱۷۸.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سیزدهم.....	
۱۸۱.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس سیزدهم.....	
۱۸۲.....	راز زندگی.....	درس چهاردهم:
۱۸۵.....	بخوان و بیندیش (پیاده و سوار).....	
۱۸۸.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهاردهم.....	
۱۹۰.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس چهاردهم.....	
۱۹۱.....	آزمون پایانی (۱).....	
۱۹۳.....	پاسخ تشریحی آزمون پایانی (۱).....	
۱۹۵.....	آزمون پایانی (۲).....	
۱۹۷.....	پاسخ تشریحی آزمون پایانی (۲).....	
		فصل ششم: علم و عمل
۲۰۰.....	میوه‌ی هنر.....	درس پانزدهم:
۲۰۶.....	حکایت (افلاطون و مرد جاهل).....	
۲۰۹.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس پانزدهم.....	
۲۱۱.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس پانزدهم.....	
۲۱۳.....	آداب مطالعه.....	درس شانزدهم:
۲۲۰.....	بخوان و حفظ کن (به گیتی، به از راستی، پیشه نیست).....	
۲۲۴.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس شانزدهم.....	
۲۲۶.....	پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس شانزدهم.....	

ستاره‌ی روشن.....	۲۲۷	درس هفدهم:
بخوان و ببینیش (آوای گنجشکان)	۲۳۳	
نیایش	۲۳۴	
پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفدهم	۲۳۹	
پاسخ تشریحی پرسش‌های چهارگزینه‌ای درس هفدهم	۲۴۱	
آزمون پایانی	۲۴۲	
پاسخ تشریحی آزمون پایانی	۲۴۴	
سوالات طبقه‌بندی شده‌ی تیزهوشان	۲۴۵	
پاسخ تشریحی سوالات طبقه‌بندی شده‌ی تیزهوشان	۲۷۵	
آزمون آزمایشی ۱	۲۹۲	
پاسخ تشریحی آزمون آزمایشی ۱	۲۹۵	
آزمون آزمایشی ۲	۲۹۷	
پاسخ تشریحی آزمون آزمایشی ۲	۳۰۰	
آزمون آزمایشی ۳	۳۰۲	
پاسخ تشریحی آزمون آزمایشی ۳	۳۰۵	
آزمون آزمایشی ۴	۳۰۷	
پاسخ تشریحی آزمون آزمایشی ۴	۳۱۰	
آزمون آزمایشی ۵	۳۱۲	
پاسخ تشریحی آزمون آزمایشی ۵	۳۱۵	
آزمون ورودی استعدادهای درخشان سراسر کشور سال ۹۳-۹۴	۳۱۷	
پاسخ تشریحی آزمون ورودی استعدادهای درخشان سراسر کشور سال ۹۳-۹۴	۳۲۰	
آزمون ورودی استعدادهای درخشان سراسر کشور سال ۹۴-۹۵	۳۲۲	
پاسخ تشریحی آزمون ورودی استعدادهای درخشان سراسر کشور سال ۹۴-۹۵	۳۲۵	
آزمون ورودی استعدادهای درخشان سراسر کشور سال ۹۵-۹۶	۳۲۷	
پاسخ تشریحی آزمون ورودی استعدادهای درخشان سراسر کشور سال ۹۵-۹۶	۳۲۹	
آزمون ورودی استعدادهای درخشان سراسر کشور سال ۹۶-۹۷	۳۳۱	
پاسخ تشریحی آزمون ورودی استعدادهای درخشان سراسر کشور سال ۹۶-۹۷	۳۳۳	



به نام آن که جان را فکرت آموخت

تاریخ ادبیات

شیخ محمود شبستری (وفات: ۷۲۰ هـ. ق) سعدالدین محمد شبستری از شاعران و عارفان قرن هفتم و هشتم هجری قمری، در «شبستر» از روستاهای اطراف تبریز به دنیا آمد. از زندگی او اطلاع چندانی در دست نیست. ظاهراً سراسر عمر خود را در تبریز یا در نزدیکی آن به سر برده و در همانجا در سال ۷۲۰ هـ. ق وفات یافته است. از وی تألیفات بسیاری باقی نمانده است. مثنوی گلشن راز از جمله آثار اوست.

گلشن راز:

کتابی است عرفانی درباره‌ی اصول، معانی و اصطلاحات تصوف (عرفان اسلامی) که شیخ محمود شبستری آن را در قالب مثنوی و در ۹۹۳ بیت به رشته‌ی نظم درآورده است.



شعری که می‌خوانید در قالب مثنوی سروده شده و از جمله ابیات کتاب گلشن راز است. واژه‌های قافیه به ترتیب عبارت‌اند از: آموخت / برافروخت، روشن / گلشن، دان / پنهان، روی / جوی، بیش / خویش، تجلی / تعالی.

معنی واژه‌ها

فکرت: فکر، اندیشه، تفکر	فروغ: روشنایی، نور
برافروخت: روشن کرد	دان: بدان (فعل امر)
فضل: احسان، بخشش	خرد: عقل
فیض: بخشش، عطا	تاب: توان
گلشن: گلستان	در او: درباره‌ی او
جمله: همه، همگی	تجلی: آشکار شدن، پیدا شدن



به نام آن که جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت
معنی: سخن خود را به نام آن کسی آغاز می‌کنم که به انسان، اندیشیدن و فکر کردن را آموخت و دل او را که مانند چراغی است، با نور جان، روشن و نورانی کرد.

نکته‌های زبانی:

این بیت سه جمله دارد. بخشی از جمله‌ی نخست حذف شده و اصل آن چنین است:
 [سخن خود را] به نام آن کسی [آغاز می‌کنم] که جان را فکرت آموخت [و] چراغ دل به نور جان برافروخت.
 «آموخت» فعل جمله‌ی دوم و «برافروخت»، فعل جمله‌ی سوم است.
 در مصراع یکم، نقش دستوری واژه‌ی «آن»، مضاف‌الیه (نام + _ + آن) و «فکرت» مفعول است. «را» در این مصراع به معنای «به» و «جان»، متمم است: خداوندی که به جان، فکر کردن را آموخت. «چراغ دل» و «نور جان» هر دو ترکیب اضافی هستند. نقش دستوری «چراغ دل»، مفعول و «نور جان» متمم است.

نکته‌های ادبی:

در این بیت آرایه‌های **جان بخشی به اشیا** و **تشبیه** دیده می‌شود.
 شاعر در مصراع یکم «آموختن» را که یکی از ویژگی‌های انسان است، به جان نسبت داده و در مصراع دوم، دل (مشبّه) به چراغ (مشبّه‌به) و جان (مشبّه) به نور (مشبّه‌به) تشبیه شده است.

ز فضلش هر دو عالم گشت روشن ز فیضش خاک آدم، گشت گلشن

معنی: از بخشش خداوند، هر دو جهان روشن و نورانی شد و خاک وجود آدم، گلستان شد. (خداوند با دمیدن از روح خود در وجود آدمی، جسم او را که از خاک بی‌ارزش بود، مانند گلستان، ارزشمند و زیبا کرد).

نکته‌های زبانی:

این بیت دو جمله دارد.
 ترکیب «هر دو عالم»، نهاد جمله‌ی یکم و ترکیب اضافی «خاک آدم»، نهاد جمله‌ی دوم است.
 صفت اسم اسم

نکته‌ی ادبی:

در مصراع دوم، «خاک آدم»، کنایه از جسم انسان است.

جهان، جمله، فروغ نور حق دان حق اندر وی، ز پیدایی است پنهان

معنی: جهان را به تمامی، پرتوی از نور وجود خداوند بدان و خداوند به دلیل آنکه در کمال پیدایی و آشکار بودن است، در این جهان، پنهان به نظر می‌رسد.

این بیت دو جمله دارد.

«دان» (بدان)، فعل امر و نقش دستوری واژه‌ی «جهان»، مفعول است. «فروغ نور» و «نور حق» ترکیب اضافی هستند. واژه‌ی «حق» نیز در مصراع دوم، نهاد جمله‌ی دوم و «پنهان» مسند است.

نکته‌ی ادبی:

میان واژه‌های «پیدایی» و «پنهان» **تضاد** وجود دارد.



خرد را نیست تاب نور آن روی برو از بهر او، چشم دگر جوی

معنی: خرد و عقل انسان توان درک نور وجود خداوند را ندارد؛ ای انسان! برای دیدن خداوند در جست و جوی چشم دیگری باش؛ زیرا چشم تو، توان دیدن نور وجود خداوند را ندارد. (منظور شاعر این است که خداوند برتر از آن است که انسان با عقل خود او را درک کند و با چشم خود او را ببیند. انسان برای دیدن خداوند و درک او، به وسیله‌ی دیگری نیاز دارد و آن وسیله چیزی نیست جز دل پاکی که گناهان آن را آلوده نکرده باشد.)

نکته‌های دستوری:

این بیت سه جمله دارد.

«خرد» نهاد جمله‌ی اول است و «را» در این جمله نشانه‌ی مفعول نیست. خرد را تاب نیست؛ یعنی خرد تاب ندارد. «برو»، فعل امر است و به تنهایی یک جمله به‌شمار می‌آید. «جوی» (جگو) نیز فعل امر است. «تاب» مفعول جمله‌ی یکم و «چشم دگر» مفعول جمله‌ی سوم است.

«آن روی»، صفت + اسم و «چشم دگر» ترکیب وصفی است.

اسم صفت

دگر، مخفف واژه‌ی «دیگر» است.

نکته‌ی ادبی:

در مصراع یکم آرایه‌ی **جان بخشی به اشیا** دیده می‌شود. شاعر «توان و قدرت» را که یکی از ویژگی‌های انسانی است، به عقل نسبت داده است.



در او هرچه بگفتند از کم و بیش نشانی داده‌اند از دیده‌ی خویش

معنی: در وصف خداوند کم و بیش هرچه گفته‌اند، گفته‌ی آن‌ها نشان‌دهنده‌ی تصور ایشان از خداوند بوده است و خداوند از تصور آنها و درک و فهمشان بالاتر و برتر است.

نکته‌های دستوری:

این بیت دو جمله دارد. «بگفتند» فعل جمله‌ی اول و «نشانی داده‌اند» فعل جمله‌ی دوم است.

«در» به معنی «درباره‌ی» و «او» متمم است. «هر چه»، مفعول است.

صفت اسم





نکته‌های ادبی:

میان واژه‌های کم و بیش **تضاد** وجود دارد.



به نزد آن که جانش در تجلی است همه عالم، کتاب حق تعالی است

معنی: آن کسی که جانش در حضور خداوند قرار دارد، همه‌ی جهان را همچون کتابی می‌داند که از وجود خداوند نشانی می‌دهد.

نکته‌های زبانی:

این بیت دو جمله دارد. «جانش» نهاد جمله‌ی مصراع اول و «همه عالم»، نهاد جمله‌ی اصلی است.
صفت اسم

نکته‌های ادبی:

در این بیت آرایه **تشبیه** وجود دارد، شاعر همه‌ی عالم (مشبّه) را به کتاب (مشبّه‌به) مانند کرده است.

یادآوری

جمله:

در سال‌های گذشته آموختیم که جمله از یک یا چند کلمه تشکیل می‌شود و پیام کاملی را به‌شونده انتقال می‌دهد. مانند:
الف: بچه‌ها خندیدند.

ب: دانش‌آموزان کلاس پنجم در جشن شرکت خواهند کرد.

پ: لغت‌نامه‌ها، اطلاعات مفیدی به ما می‌هند.

۱) همان‌طور که می‌بینید، هر جمله شامل دو بخش کلی است. بخش اول همان است که درباره‌ی آن خبر می‌دهند؛ به این بخش **نهاد** جمله می‌گویند. در جمله‌های بالا، «بچه‌ها»، «دانش‌آموزان کلاس پنجم» و «لغت‌نامه‌ها»، نهاد هستند. بخش دوم خبری است که درباره‌ی نهاد داده می‌شود؛ به این بخش **گزاره‌ی** جمله می‌گویند. در جمله‌های بالا، «خندیدند»، «در جشن شرکت خواهند کرد» و «اطلاعات مفیدی به ما می‌دهند»، گزاره هستند.

۲) کلمه‌های «خندیدند»، «شرکت خواهند کرد» و «می‌دهند»، اصلی‌ترین بخش جمله هستند و کلمه‌های دیگر برای کامل کردن معنای جمله به‌کار رفته‌اند. به این کلمه‌ها که اصلی‌ترین بخش جمله هستند، **فعل** می‌گویند.

۳) در جمله‌های ب و پ، واژه‌های «مفید» و «پنجم»، واژه‌های «اطلاعات» و «کلاس» را بیشتر به ما معرفی می‌کنند. به چنین کلمه‌هایی **صفت** می‌گویند. بین اسم و صفت، «_» می‌آید. کلاس پنجم اطلاعات مفید
اسم صفت اسم صفت

اسمی که با صفت می‌آید، **موصوف** نام دارد؛ موصوف یعنی «وصف شده». کلمه‌های «اطلاعات» و «کلاس» موصوف هستند.

۴) وقتی به کسی بگویید: «دانش‌آموزان کلاس پنجم شرکت خواهند کرد». او می‌پرسد: «در چه چیزی شرکت خواهند کرد؟». از این‌رو جمله‌ی شما به بخش دیگری نیاز دارد تا مفهوم و معنای آن را کامل کند. وقتی شما در پاسخ بگویید: «در جشن» شرکت خواهند کرد، معنای جمله کامل می‌شود. به این بخش از جمله (جشن) که معنای آن را کامل می‌کند، **متمم** می‌گویند.

۵) وقتی به کسی بگویید: «لغت‌نامه‌ها به ما می‌دهند». او می‌پرسد: «چه چیزی را» به ما می‌دهند. به همین جهت برای اینکه معنای پیام کامل شود، جمله به بخش دیگری نیاز دارد. وقتی شما در پاسخ بگویید: «اطلاعات مفید» به ما می‌دهند، مفهوم جمله کامل خواهد شد. به این بخش از جمله (اطلاعات مفید) که معنای آن را کامل می‌کند، **مفعول** می‌گویند. چگونه مفعول و متمم را در جمله تشخیص دهیم؟

(۱) راه شناخت مفعول

اگر فعل جمله را با عبارت «چه کسی را» یا «چه چیزی را» سوالی کنیم، مفعول جمله شناخته می‌شود. به این جمله‌ها توجه کنید: علی سب را خورد ← علی «چه چیزی را» خورد؟ ← سب را مفعول

برادرم گلدان خرید ← برادرم «چه چیزی را» خرید؟ ← گلدان را مفعول

نکته

بعضی جمله‌ها مفعول ندارند؛ به همین جهت اگر عبارت «چه چیزی را» یا «چه کسی را» را به فعل این جمله‌ها اضافه کنیم، هیچ معنایی نمی‌دهد. مثال: کودک خندید ← کودک «چه چیزی» را خندید ←؟؟

(۲) راه شناخت متمم

متمم، اسمی است که پس از حرف اضافه می‌آید؛ به همین دلیل لازم است که برای یافتن «متمم» ابتدا حرف و یا حروف اضافه را در جمله بیابیم. مهم‌ترین حروف اضافه عبارت‌اند از: «به، از، با، در، برای». پس از آنکه حروف اضافه را در جمله پیدا کردیم، باید توجه کنیم که آیا اگر حرف اضافه و کلمه یا کلمه‌های بعد از آن را از جمله حذف کنیم، جمله معنای خود را از دست می‌دهد یا نه. به جمله‌ی زیر توجه کنید: دانش‌آموزان از فردا به مدرسه می‌روند.

در این جمله دو حرف اضافه داریم

(۱) از

(۲) به

حالا بیابید یکی یکی این حروف اضافه و کلمه‌های بعد از آن‌ها را از جمله حذف کنیم:

(۱) دانش‌آموزان به مدرسه می‌روند.

(۲) دانش‌آموزان از فردا می‌روند.

همان‌طور که می‌بینید در جمله‌ی اول با حذف شدن «از فردا»، هیچ اشکالی در انتقال پیام ایجاد نمی‌شود. اما در جمله‌ی دوم با حذف شدن «به مدرسه» این سؤال برای خواننده پیش می‌آید که دانش‌آموزان «به کجا؟» می‌روند. از توضیحات بالا نتیجه می‌گیریم که کلمه مدرسه، **متمم** است؛ یعنی معنای فعل جمله را تمام می‌کند. اما واژه‌ی «فردا» متمم نیست؛ زیرا اگر آن را به همراه حرف اضافه‌ی «از» که پیش از آن آمده است، از جمله حذف کنیم، فعل جمله معنای خود را از دست نمی‌دهد.

اکنون این سؤال برای ما پیش می‌آید که نقش واژه‌ی «فردا» و حرف اضافه‌ی پیش از آن چیست؟ در پاسخ می‌گوییم: اگر کلمه یا کلمه‌هایی (چه با حرف اضافه و چه بدون حرف اضافه) در جمله بیابند و زمان یا مکان و یا





چگونگی رخ داد فعل را توضیح دهند، آن کلمه یا کلمه‌ها **قید** هستند. مثال:

(۱) علی به مدرسه رفت ← علی با عجله به مدرسه رفت.
حرف اضافه قید حرف اضافه متمم فعل

عبارت «با عجله» چگونگی رفتن علی را به مدرسه بیان می‌کند و اگر آن را از جمله حذف کنیم، به مفهوم جمله آسیبی وارد نمی‌شود.

(۲) باران بارید ← دیشب باران بارید.
قید فعل

کلمه‌ی «دیشب»، زمان باریدن باران را بیان می‌کند و اگر آن را حذف کنیم، به مفهوم جمله آسیبی وارد نمی‌شود.

(۳) کودکان بازی کردند ← کودکان در حیاط بازی کردند.
حرف اضافه قید فعل

عبارت «در حیاط»، مکان بازی کردن بچه‌ها را بیان می‌کند و اگر آن را حذف کنیم، مفهوم جمله ناقص نمی‌شود.

بیشتر بدانیم

فعل

همان‌طور که پیش از این گفتیم فعل اصلی‌ترین بخش جمله است و معمولاً در پایان جمله می‌آید.

ویژگی‌های فعل:

(۱) زمان:

فعل از نظر زمان به سه دسته‌ی کلی تقسیم می‌شود: گذشته، حال و آینده.

به فعلی که در زمان گذشته انجام شده باشد، **گذشته** یا ماضی می‌گویند. مثال:

خواهرم با عروسکش بازی می‌کرد. من او را بارها در خیابان دیده بودم.

بچه‌ها با سر و صدای زیاد از پله‌ها پایین آمدند.

به فعلی که در زمان حال انجام گیرد، **حال** یا مضارع می‌گویند. مثال: باران زمین را می‌شوید.

به فعلی که در زمان آینده انجام خواهد شد، مستقبل یا **آینده** می‌گویند. مثال: مریم به مدرسه خواهد رفت.

(۲) شخص و شماره:

فعل‌ها از نظر **شمار** به دو دسته مفرد و جمع تقسیم می‌شوند. فعلی را که به یک شخص نسبت می‌دهیم، «مفرد»

می‌گوییم و فعلی را که به بیش از یک شخص نسبت می‌دهیم، «جمع» می‌گوییم. فعل‌ها از نظر شخص نیز

به سه دسته‌ی «اول شخص»، «دوم شخص» و «سوم شخص» تقسیم می‌شوند.

هر فعل براساس شخص و شمار، شش ساخت پیدا می‌کند:

مفرد

اول شخص مفرد ← خواندم (من)

دوم شخص مفرد ← خواندی (تو)

سوم شخص مفرد ← خواند (او)

با دقت بیشتر در شش ساخت فعل، می‌بینیم که فعل ما دارای دو بخش اصلی است. بخش اول، «خواند» است که

در هر شش ساخت، ثابت است.

خواند + م

خواند + ی

خواند + Ø

جمع

اول شخص جمع ← خواندیم (ما)

دوم شخص جمع ← خواندید (شما)

سوم شخص جمع ← خواندند (آنها)

خواند + یم

خواند + ید

خواند + ند



اما بخش دوم در هریک از ساخت‌های شش‌گانه، تغییر می‌کند. ساخت سوم فعل (سوم شخص مفرد) در ظاهر یک بخش دارد، ولی در حقیقت این ساخت نیز دارای دو بخش است؛ اما بخش دوم آن پنهان است؛ از این‌رو پنهان بودن بخش دوم این ساخت را با علامت « Ø » نشان می‌دهیم.

از دو بخش اصلی فعل، بخش اول را که در هر شش ساخت ثابت و پایدار است، «بُن» (به معنای اصل و پایه) و بخش دوم را که تغییرپذیر یا ناپایدار است و شخص و شمار فعل را نشان می‌دهد، شناسه (به معنای شناساننده) می‌نامیم.

پس هر فعل دو بخش اصلی دارد: بن + شناسه (شخص + شمار)

یادآوری ۲

به کلمه‌های دسته‌ی الف و ب توجه کنید:

الف

دانش‌آموزِ دانا

چایِ خوش‌رنگ

لباسِ سبز

ب

دانش‌آموزِ مدرسه

چایِ لاهیجان

لباسِ ورزش

همان‌طور که می‌بینید، در دسته‌ی الف، واژه‌های «دانا»، «خوش‌رنگ» و «سبز» که هر کدام یک ویژگی هستند به وسیله‌ی کسره (ـِ)، به ترتیب به واژه‌های «دانش‌آموز»، «چای» و «لباس» نسبت داده شده‌اند.

در دسته‌ی دوم، واژه‌های «مدرسه»، «لاهیجان» و «ورزش» به وسیله‌ی کسره (ـِ) به ترتیب به واژه‌های «دانش‌آموز»، «چای» و «لباس» اضافه شده‌اند.

به واژه‌های دسته‌ی «الف» **صفت** و **موصوف** و به واژه‌های دسته‌ی «ب»، **مضاف** و **مضاف‌الیه** می‌گویند.

به عبارتی دیگر:

هرگاه پس از اسم، کسره (ـِ) بیاید و سپس صفتی به آن نسبت داده شود، ترکیب «موصوف و صفت» ساخته می‌شود که به این ترکیب، **ترکیب وصفی** هم می‌گویند.

هرگاه پس از اسمی، کسره (ـِ) بیاید و سپس اسمی دیگر قرار بگیرد، به اسم اول «مضاف» و به اسم دوم، «مضاف‌الیه» می‌گویند و این ترکیب را **ترکیب اضافی** می‌خوانند.

راه‌های تشخیص صفت از مضاف‌الیه

ترکیب وصفی از نظر ساختمان ظاهری همانند ترکیب اضافی است؛ زیرا صفت و مضاف‌الیه، هر دو، به وسیله‌ی کسره (ـِ) با اسم پیش از خود ترکیب می‌شوند؛ بنابراین ممکن است در برخی موارد تشخیص این دو از هم مشکل باشد؛ اما برای شناسایی آن‌ها راه‌هایی وجود دارد:

الف) استفاده از «ی» نکره:

بعد از مضاف، «ی» نکره نمی‌آید؛ از این‌رو اگر در یک ترکیب، کسره (ـِ) را برداریم و به جای آن «ی» نکره بگذاریم می‌توانیم صفت را از مضاف و نوع ترکیب را تشخیص دهیم. مثال:

لباسی سبز ← (✓) ← ترکیب وصفی

لباسی ورزش ← (×) ← ترکیب اضافی



ب) جمع بستن کلمه‌ی دوم ترکیب:

صفت را، در ترکیب وصفی نمی‌توان جمع بست؛ اما مضاف‌الیه را می‌توان جمع بست. اگر در یک ترکیب بتوانیم کلمه‌ی دوم را که پس از کسره‌ی اضافه می‌آید، جمع ببندیم، آن ترکیب اضافی است و اگر نتوانیم کلمه‌ی دوم را جمع ببندیم، آن ترکیب وصفی است. مثال:

باغ بزرگ‌ها ← (×) ← ترکیب وصفی

باغ میوه‌ها ← (✓) ← ترکیب اضافی

پ) افزودن «تر» به کلمه‌ی دوم ترکیب:

پس از مضاف‌الیه، «تر» نمی‌آید، اما پس از صفت‌های سنجش‌پذیر می‌آید. مثال:

دانش‌آموز داناتر ← (✓) ← ترکیب وصفی

دانش‌آموز مدرسه‌تر ← (×) ← ترکیب اضافی

یادآوری ۳

در سال‌های گذشته آموختید که از ترکیب برخی از کلمه‌ها و حروف با یک‌دیگر واژه‌های جدید با معنای تازه و متفاوت ساخته می‌شوند. برای یادآوری نمونه‌هایی را ذکر می‌کنیم:

۱) از ترکیب واژه‌ی «خود» با برخی واژه‌ها، واژه‌هایی با معنای تازه ساخته می‌شود:

باور ← خودباور (صفت)
 بین ← خودبین (صفت)
 دار ← خوددار (صفت)

کلمه‌های «باور»، «بین» و «دار»، بن فعل هستند، در آینده با بن فعل بیشتر آشنا خواهید شد.

۲) از ترکیب واژه‌ی «نامه» با برخی واژه‌ها، واژه‌هایی با معنای تازه ساخته می‌شود:

کار + نامه ← کارنامه (اسم)

کتاب + نامه ← کتاب‌نامه (اسم)

شناس + نامه ← شناس‌نامه (اسم)

روز + نامه ← روزنامه (اسم)

۳) از ترکیب واژه‌ی «ناپذیر» با بعضی کلمه‌ها، واژه‌هایی با معنای تازه ساخته می‌شود:

وصف + ناپذیر ← وصف‌ناپذیر (صفت)

تسخیر + ناپذیر ← تسخیرناپذیر (صفت)

خستگی + ناپذیر ← خستگی‌ناپذیر (صفت)

* ناپذیر خود واژه‌ای غیرساده است که از پیوند «نا» به واژه «پذیر» ساخته شده است:

نا(پیشوند) + پذیر (بن فعل) ← ناپذیر

۴) از اضافه شدن واژه‌ی «بُن» (به معنی ریشه) به برخی کلمه‌ها، واژه‌هایی جدید ساخته می‌شود:

سرو + بن ← سروبن (اسم)

گل + بُن ← گل‌بُن (اسم)

بید + بُن ← بیدبُن (اسم)

۵) از اضافه شدن واژه‌ی «دوست» به برخی کلمه‌ها، واژه‌هایی جدید ساخته می‌شود:

میهن + دوست ← میهن‌دوست (اسم)

انسان + دوست ← انسان‌دوست (صفت)

هنر + دوست ← هنردوست (صفت)

خدا + دوست ← خدادوست (صفت)



۶) از اضافه شدن کلمه‌های «آمیز» و «انگیز» به برخی کلمه‌ها، واژه‌هایی جدید ساخته می‌شود:
 تحسین + آمیز ← تحسین‌آمیز (صفت) افتخار + آمیز ← افتخار‌آمیز (صفت)
 خیال + انگیز ← خیال‌انگیز (صفت) شگفت + انگیز ← شگفت‌انگیز (صفت)
 * کلمه‌های «آمیز» و «انگیز»، بن فعل هستند.

۷) از اضافه شدن کلمه‌ی «نویس» به برخی کلمه‌ها، واژه‌هایی جدید ساخته می‌شود:
 خوش + نویس ← خوش‌نویس (صفت) داستان + نویس ← داستان‌نویس (صفت)
 نمایشنامه + نویس ← نمایشنامه‌نویس (صفت) برنامه + نویس ← برنامه‌نویس (صفت)
 * کلمه‌ی «نویس» بن فعل است.

۸) از اضافه شدن میان‌وند «ا» به برخی واژه‌ها، ترکیب جدید ساخته می‌شود:
 گرد + ا + گرد ← گرداگرد لب + ا + لب ← لب‌الب
 سر + ا + سر ← سراسر دم + ا + دم ← دمدام

۹) از اضافه شدن پسوند «زار» به برخی کلمه‌ها، واژه‌ی جدید ساخته می‌شود.
 سبزه + زار ← سبزه‌زار گندم + زار ← گندم‌زار چمن + زار ← چمنزار

۱۰) از اضافه شدن پسوند «_نده» به برخی واژه‌ها، واژه‌ی جدید ساخته می‌شود.
 بین + _نده ← بیننده (صفت) گوی + _نده ← گوینده (صفت) شنو + _نده ← شنونده (صفت)
 * به واژه‌هایی چون «ا»، «زار» و «_نده» که خود به تنهایی به کار نمی‌روند و با اضافه شدن به کلمه‌ای دیگر، کلمه‌ای تازه با معنایی تازه می‌سازند، **وند** می‌گویند.

وندها اگر در ابتدای کلمه بیایند «پیشوند» و اگر در میانه‌ی کلمه بیایند «میان‌وند» نام دارند و اگر در آخر کلمه اضافه شوند، «پسوند» نامیده می‌شوند.

مهم‌ترین پیشوندها عبارت‌اند از:

- ۱- با: بادب، بالاستعداد، باایمان
- ۲- باز: بازدید، بازجو، بازگشت
- ۳- بر: برگشت، برخورد، برداشت
- ۴- بی: بی‌علاقه، بی‌کار، بی‌سواد
- ۵- نا: نامنظم، ناشکر، ناتوان
- ۶- هم: هم‌وطن، هم‌خانواده، هم‌عقیده

مهم‌ترین میان‌وندها عبارت‌اند از:

- ۱- الف: سراسر، پی‌پی، سراپا
- ۲- به: دست به دست، قدم به قدم، شانه به سر
- ۳- تا: سرتاسر، گوش تا گوش، سرتاپا
- ۴- کسره‌ی اضافه (ـِ): تختِ خواب، رختِ خواب





۵- در: پی در پی، رودررو، پیچ در پیچ

۶- و: گفت و گو، زد و بند، رفت و برگشت

مهم ترین پسوندها عبارتند از:

۱- ا: با افزوده شدن به برخی کلمه‌ها اسم و صفت می‌سازد:

$\left(\frac{\text{پهن}}{\text{صفت}} + \text{ا}\right) \leftarrow \frac{\text{پهنا}}{\text{اسم}}$ ، $\left(\frac{\text{دان}}{\text{بن}} + \text{ا}\right) \leftarrow \frac{\text{دانا}}{\text{صفت}}$ ، $\left(\frac{\text{ره}}{\text{بن (از مصدر رهیدن)}} + \text{ا}\right) \leftarrow \frac{\text{رها}}{\text{صفت}}$

۲- ار: با افزوده شدن به بن برخی فعل‌ها، اسم مصدر^۱ و صفت می‌سازد:

$\left(\frac{\text{کرد}}{\text{بن}} + \text{ار}\right) \leftarrow \frac{\text{کردار}}{\text{اسم مصدر}}$ ، $\left(\frac{\text{خرید}}{\text{بن}} + \text{ار}\right) \leftarrow \frac{\text{خریدار}}{\text{صفت}}$ ، $\left(\frac{\text{گرفت}}{\text{بن}} + \text{ار}\right) \leftarrow \frac{\text{گرفتر}}{\text{صفت}}$

۳- آسا: مفهوم شباهت را می‌رساند: برق آسا، غول آسا

۴- اک: به بن مضارع می‌پیوندد و اسم می‌سازد: خوراک (خور+ اک)، پوشاک (پوش+ اک)

۵- ان: با افزوده شدن به بن مضارع، صفت می‌سازد: خندان (خند+ ان)، روان (رو+ ان)

۶- انه: اسم و صفت می‌سازد و مفهوم شباهت و نسبت و لیاقت را می‌رساند: (صبح+ انه) $\leftarrow \frac{\text{صبحانه}}{\text{اسم}}$

محرم (محرم+ انه) $\leftarrow \frac{\text{محرمانه}}{\text{صفت}}$ ، (شاه+ انه) $\leftarrow \frac{\text{شاهانه}}{\text{صفت}}$ ، (دختر+ انه) $\leftarrow \frac{\text{دخترانه}}{\text{صفت}}$ ، (عید+ انه) $\leftarrow \frac{\text{عیدانه}}{\text{صفت}}$

۷- بان: مفهوم «محافظت» را می‌رساند: باغبان (باغ+ بان)، دربان (در+ بان)، کشتی‌بان (کشتی+ بان)

۸- چه: مفهوم «کوچکی» را می‌رساند: قالیچه (قالی+ چه)، دریاچه (دریا+ چه)، بازارچه (بازار+ چه)

۹- چی: دو مفهوم «فاعلیت» و «شغل» را می‌رساند: درشکه چی (درشکه+ چی)، تماشاچی (تماشا+ چی)، تلفنچی (تلفن+ چی)

۱۰- دان: پسوند «جا و محل نگهداری» است: نمکدان (نمک+ دان)، شمعدان (شمع+ دان)

۱۱- زار: پسوند «مکان» است و مفهوم انبوهی و فراوانی را می‌رساند: لاله‌زار (لاله+ زار)، چمنزار (چمن+ زار)، بنفشه‌زار (بنفشه+ زار)

۱۲- سار: نشان‌دهنده‌ی فراوانی در مکان است: کوهسار (کوه+ سار)، شاخسار (شاخ+ سار)، چشمه‌سار (چشمه+ سار) گاهی نیز نشان‌دهنده‌ی شباهت است: گرسار (مانند گرس)، دیوانه‌سار (مانند دیوانه)

۱۳- ستان: پسوند مکان است: سروستان (سرو+ ستان)، گلستان (گل+ ستان)، هندوستان (هندو+ ستان)

۱۴- ش: پسوندی است که در آخر بن مضارع می‌آید و اسم (اسم مصدر) می‌سازد: روش (رو+ ش)، گویش (گوی+ ش)

۱. اسمی است که نشانه‌ی مصدری (ـن) ندارد، اما معنی و مفهوم مصدر را می‌رساند.





۱۵- ک: گاهی مفهوم «کوچکی» می‌دهد. مانند: شاخک (شاخ + ک)، اتاقک (اتاق + ک)

گاهی برای «تحقیر و توهین» به کار می‌رود: مردک (مرد + ک)

در برخی موارد نیز نشانه‌ی «عزیز و دوست داشتنی بودن» کسی یا چیزی است: دخترک، دلبرک

گاهی برای ساختن اسم از صفت به کار می‌رود: (زرد + ک) ← زردک، (سرخ + ک) ← سرخک

گاهی نیز مفهوم «شباهت» را می‌رساند: عروسک (عروس + ک)، شکلک (شکل + ک)

۱۶- کده: پسوند «مکان» است: آتشکده (آتش + کده)، هنرکده (هنر + کده)

۱۷- گر: پسوندی صفت ساز است و در برخی موارد مفهوم «شغل و کار» را می‌رساند: (حیله + گر) ← حیله‌گر، (داد+گر)

← دادگر، (رفت + گر) ← رفتگر، (آهن + گر) ← آهنگر

۱۸- گار: مانند: پروردگار (پرورد + گار)، آموزگار (آموز + گار)

۱۹- گانه: پسوندی است که در پایان صفت‌های شمارشی می‌آید: دوگانه (دو + گانه)، پنج‌گانه (پنج + گانه)

به برخی کلمات دیگر نیز اضافه می‌شود: جداگانه (جدا + گانه)، چندگانه (چند + گانه)

۲۰- گاه: پسوند «زمان و مکان» است: سحرگاه (سحر + گاه)، خوابگاه (خواب + گاه)

۲۱- گین: پسوندی صفت‌ساز است: غمگین (غم + گین)، شرمگین (شرم + گین)

۲۲- مان: مانند: شادمان (شاد + مان)، خانمان (خانه + مان)، سازمان (ساز + مان)

۲۳- مند: مفهوم «دارندگی» را می‌رساند: ثروتمند (ثروت + مند)، هنرمند (هنر + مند)

۲۴- ناک: پسوندی است صفت‌ساز: (نم + ناک) ← نم‌ناک، سوز + ناک (سوزناک)، (ترس + ناک) ← ترسناک

۲۵- نده: به بن مضارع می‌پیوندد و صفت می‌سازد: (رو + نده) ← رونده، (گوی + نده) ← گوینده

۲۶- وار: گاهی در معنی «دارندگی» به کار می‌رود: امیدوار (امید + وار)، عیالوار (عیال + وار)

گاهی مفهوم «شایستگی» را می‌رساند: شاهوار (شاه + وار)

گاهی به معنی «هماندی» است: بهشت‌وار (بهشت + وار)، دیوانه‌وار: (دیوانه + وار)

۷- واره: مفهوم «مشابهت و نسبت» را می‌رساند: جشنواره (جشن + واره)، ماهواره (ماه + واره)، سنگواره (سنگ + واره)

۲۸- ور: پسوندی است صفت ساز که مفهوم «دارندگی» را می‌رساند: (پهنا + ور) ← پهناور، (سخن + ور) ← سخنور،

(نام + ور) ← نامور

۲۹- ه: با پیوستن به بن ماضی، صفت می‌سازد: افسرده (افسرد + ه)، دیده (دید + ه)، گرفته (گرفت + ه)

با پیوستن به بن مضارع، اسم می‌سازد: اندیشه (اندیش + ه)، آویزه (آویز + ه)، خنده (خند + ه)

گاهی به اسم می‌پیوندد و اسمی تازه با مفهومی تازه می‌سازد: زبانه (زبان + ه)، چشمه (چشم + ه)، دسته (دست + ه)

گاهی نیز به صفت می‌پیوندد و اسم می‌سازد: سپیده (سپید + ه)، سبزه (سبز + ه)، پنجه (پنج + ه)

۳۰- ی: گاهی با پیوستن به اسم، صفت می‌سازد:

۱- صفت لیاقت: دیدنی (دیدن + ی)، خوردنی (خوردن + ی)



۲- صفت نسبی: تهرانی (تهران + ی)، علمی (علم + ی)

- گی گونه‌ای از «ی» است و به واژه‌هایی که به ه / ه ختم می‌شوند، می‌پیوندند: هفتگی، خانوادگی، همیشگی

گاهی با پیوستن به صفت، اسم می‌سازد: زیبایی (زیبا + ی)، سفیدی (سفید + ی)، خوبی (خوب + ی)

- گی در این موارد نیز گونه‌ای از «ی» است: آلودگی، مردانگی

گاهی نیز با پیوستن به اسم، اسمی دیگر می‌سازد که مفهوم «شغل و حرفه» را می‌رساند: بقالی (بقال + ی)، خیاطی (خیاط + ی)

۳۱- یّت: این پسوند از زبان عربی گرفته شده و با پیوستن به برخی اسم‌ها و صفت‌ها، اسمی دیگر می‌سازد: مالک (مالک + یّت) ← مالکیت، (مسئول + یّت) ← مسئولیت، (جمع + یّت) ← جمعیت

۳۲- یّه: پسوندی است که با پیوستن به اسم، اسم و صفت می‌سازد و در برخی موارد مفهوم «جا و مکان» را می‌رساند: ترکیه (ترک + یّه)، نقلیه (نقل + یّه)، حافظیه (حافظ + یّه)، خیریه (خیر + یّه)

۳۳- ین و ینه: این دو پسوند با پیوستن به برخی اسم‌ها و صفت‌ها، صفتی دیگر می‌سازند. مانند: زرین (زر + ین)، رنگین (رنگ + ین)، دیرینه (دیر + ینه)، پشمینه (پشم + ینه)

بیشتر بدانیم

انواع واژه از نظر ساختمان

واژه‌ها از نظر ساختمان به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱- ساده: واژه‌هایی هستند که تنها از یک جزء معنادر ساخته شده‌اند. مانند: صحرا، نام، دنیا، فرمان.

۲- غیرساده: واژه‌هایی هستند که از دو یا چند جزء ساخته شده‌اند. این نوع واژه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱-۲) مرکب: به واژه‌هایی می‌گویند که بیش از یک جزء معنادر دارند و دارای «وند» نیستند. مانند: خودکار (خود+کار)، روزنامه (روز + نامه)، کتابخانه (کتاب + خانه) حاصل‌خیز (حاصل + خیز)

۲-۲) مشتق: به واژه‌هایی می‌گویند که از یک جزء معنادر و یک یا چند «وند» ساخته شده‌اند. مانند:

آفریدگار (آفرید + گار)، شامگاه (شام + گاه)، علی‌وار (علی + وار)، ثروتمند (ثروت + مند)، چشمه (چشم + ه)

۲-۳) مشتق - مرکب: به واژه‌هایی می‌گویند که از بیش از یک جزء معنادر و یک یا چند «وند» ساخته شده‌اند. مانند: حقوق‌بگیر (حقوق + ب + گیر)، گوش به زنگ (گوش + به + زنگ)، سراسر (سر + ا + سر)، رخت‌خواب (رخت + ا + خواب)



نکته

پسوندهای «تر» و «ترین» و نیز نشانه‌های جمع مانند «ها»، «ان» و «ات» هرگاه به واژه‌ی ساده اضافه شوند تغییری در ساختمان آن ایجاد نمی‌کنند و واژه‌ی غیرساده نمی‌سازند. از این‌رو، واژه‌هایی مانند: «کتاب‌ها»، «پدران»، «بزرگ‌تر» و «زیباترین» از نظر ساختمان جزء واژه‌های «ساده» به شمار می‌آیند.

